



۲۰۱۷/۰۱/۲۷



مصطفی «عمرزی»



تداعی تاریخ خیانت ها و جنایت ها

بازیگران دو سوی تقابل داخلی، یکی در مقام فرصت طلبی که ظاهراً دگرگون شده است و دیگری در نقشی که در «باید فرصت ها»، دگرگون می نماید، در مخطوطات این نقاشی، ظاهراً در پی دگرگونی رسمی اند که تاریخ پیدایش، رشد و تبارز آنان، سوای مدعاست.

دیموکراسی سالیان اخیر، بستری از فرصت ها و شانس هایی شد که در ناپیدایی حق، سیل انسانی مایل به تجمع مدنی، تفکیک و تشخیص خوب و بد را در سیاهی این منظر، مشکل می کند. در واقع نیاز های ما برای تنقید نظام، در مصلحت هایی که بسیاری با سوء رفتار جامعه ی جهانی، عناصر متداخل در حاکمیت می شوند، ظرفیت های بشری را در طیف مسوولان دولتی، در وضعیتی قرار می دهد که استمرار آن، خوب و بد را دوشادوش در عرشه ای به تکاپو می کشاند که می بینیم در عکس قضیه، پیشبرد امور دولتی، منوط به دست فرازی گروه هایی می شود که از درگیری با جانب مقابل تا انحصار قدرت، اجازه نمی دهند آن چه به نام دولت- حاکمیت داریم، در حالی شتاب گیرد که ناگزیری تحرک آن، وابسته به منابع ناچیز داخلی می شود.

ماشین ناتوان حاکمیت در حالی که فرسوده و ناتوان است، در مسیر سنگلاخ و ناهموار آینده، توانایی اش را در حیف و میلی از دست می دهد که راننده گان صراط غیر مستقیم، فرصت یافته اند تداعی تاریخی، حافظه ی ملت را فقط در درگیری امنیت و اقتصاد، مصروف نگه دارد تا تاریخ تکرار شود و اما مجریان مسوول در فرود ملت، فراموش شوند.

تداعی تاریخ خیانت ها و جنایت ها، در رفع درمانده گی های مدیریت، همانی ست که گاه در سهل انگاری ترحیم، می پندارند قرائت دوسیه های خاینان، مساله ی گذشته است. فراموشی ما در تداعی تاریخی که وضاحت می دهد اعتماد مردم بر عوامل بحران، در حالی که جفای محض در عدم تامین عدالت بود، گونه از میلان به نفع کسانی ست که در ستم به مردم، نباید فقط بر اساس لباس تفکیک می شدند و ستون های نظام را در بهره وری از امتیاز تشنه گان قدرت، اما این انحصارطلبان بی کفایت، به زانو درآورده اند تا بر اثر این ثقلت سیاسی، روشن ترین اهداف و منظور، در ناکامی تطبیق، گره مشکل را محکم تر کند.

با تداعی تاریخ خیانت ها و جنایت ها، خاینان از جلد خیرخواهان به در می شوند و افتیدن پوست های افعی، هرچند ظاهر مساله است، اما نشان می دهد ثمره ی خار، بوته ی خار است.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

کارایی نظام، بدون شک وابسته به عناصر و ظرفیت هایی است که در کمال آرامش شناخت و دانش، از گذشته ای در دلهره نباشد که در هر لحظه ی ثبات، خاین، مجرم و جهانی ای را هراسان کند که در جامعه ی مهیای ثبات، فرصت هایی تصفیه و تسویه ی حساب، اجازه نمی دهند تفصیرکارانی که روزی در مقدرات مردم، عذاب الیم شدند، بی خیال از روز بازخواست، تقدیس شوند و از قدسیت فضای سیاسی، در جامعه ای زیست کنند که روزی حق مردم برای زنده گی و آرامش را به راحتی گرفتند.

نباید گذشته ی تلخ تاریخی را در لابلای کتاب ها، ضمن تدریس تاریخ، یا برای تراژیدی مردمی که آسیب دیدند، فقط در تداعی تاریخ خیانت ها و جنایت ها به یادآوریم. درس های آن تجربیات، بهای خون هزاران مردم و حیاتی است که هرچند در نوسان تعهد، روزگاری ندارد که عاری باشد، اما از درک مساله ی خوب و بد، تفکیک برای اعتماد بر کسانی که می توانستند و بایسته اند، می توانست سالیان بیشتری از عمر و حیات ملت و مملکت ویرانه را در نور دیدن به حیات نو، کمک کند.

افغانستان در بحران طولانی، که در انداز قد یک نسل جنگ زده، بلند شده است، جدا از استمرار حالت شوم، نیاز دارد تفکر مردم در انفعال برای کنش بازیگرانی که ثابت کردند اهل باور نیستند، در این فرهنگ، از بازاری بکاهد که در رسته ی سیاسی آن، افراد خاین به وطن و مردم، یادگرفته بودند برای نفس خویش، فرهنگ اخلاق و مدارای ما، بیانی بیش نباشد که در تظاهر به اهل راستی، به کار می برند تا در فرصت های ثبات، نیاز ما برای سهم در سرنوشت، در حاشیه بماند؛ زیرا تداعی تاریخی، با تضعیف حافظه، وقتی اهل سمت، زبان و منطقه شدیم، کمک می کنند کسانی که با سرنوشت ما بازی کردند، توجیه بایند تقابل سیاسی، ارزش بازیگرانی را تضمین کند که در هر فرود و فراز زنده گی، گویا پیر طریقت، نقاشی است که در مهندسی یک بلند منزل، وقتی اصول حذف می شوند، می تواند کمک کند خطوط روی نقشه، بی شباهت به تار هایی نیستند که افکار مردم را در خامی آن ها بسته اند و چند سده پس از این تجربه، رخی رونما نمی شود تا مردمان در مانده در فرهنگ طریقه (وابسته) به همانی برسند که از چند سده با ترک انحصار، جامعه ی بشری، در جایی که آرام است در بلندمنزل های زنده گی، صعود می کند.

طرح بحث اصلاح، کارآمدی، ارتقای ظرفیت و مدیریت عاری از فساد، در فراموشی حافظه ی ملت، از جفایی که با او کردند، بی هوده است. در کشاکش بازار سود و معامله، هرچند به خوبی فریفتند، اما آن چه از بد بدتر شد، یادی است که در مستند سالیان گذشته، مدفون می شود تا در عوض گیری این تحریف تاریخ، سهامدارانی بیابیم که «می خواهند»، اما شراکت حضور آنان، بغرنج محاسبه در جدا کردن سره و ناسره ی مفاد منافع ملی می شود. فراموشی تاریخی که به وضاحت از قباحت حضور خاینان، فصل ها دارد، بهتر از برپایی نظامی نتیجه ندارد که در انبوه گمارده های دولتی، از سلاح به دستان مسلح (اردوی ملی) تا اهل خدمات ادارات ملکی، جنب و جوش دارند، لیکن مامول ما برای تثبیت نظام در آینده ای که می رود تامین مخارج را در رقم اکثریت، بردوش کند، هر لحظه و هر زمانی از آن چه در این حال جاری است، سیاه روزی هایی را در پی می آورد که در «افسوس اگر چنین می شد و چنان نمی شد»، درگیری ذهن مردمان درگیر شکم، از حیطة ای می کاهد که در تضعیف معنویات ما در سالیان اخیر، حس عاطفی در برابر مهارگسیخته گی خواسته های مادی، سببیت را برای دست اندازی و هتک حرمت، در نوع دیگری تعریف کند که در بدترین سالیانی که در اخیر گذشتند، هنوز افغان بودن، مسلمان و فرهنگ های انسانی، صله ی رحم می گذاشتند تا کسانی پس از اندوه زیان، حداقل جان به در برند. تداعی تاریخ خیانت ها و جنایت ها، در واضح ترین افاده، قرار گرفتن در مسیر نجات از مردمانی است که کل تجربیات حزبی، سیاسی و سازمانی ما نشان دادند، وابسته گان به آدرس های پس از 7 ثور، در رسانیدن زیان، کمتر از آنانی نیستند که سلاح دارند.

انحصار، تاراج، تخریش وحدت ملی، میلان به بیگانه و کسب درآمد های مالی، در کشوری که تفاوت دارا و ندارش، زمین و زمان است، قبول آینده ی خوب را، اگر چنین بماند، به سُخر می گیرد.

د پاپو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي